

کتاب دانیال - نمبر ایک سو اکہتر

شطرنج ژئوپولیتیک: واتیکان، کمونیسم، و جست و جوی سلطه بر جهان

Jeff Pippenger

2024-04-01

کتاب «کلیدهای این خون: نبرد برای سیطره جهانی میان پاپ ژان پل دوم، میخائیل گورباچف، و غرب سرمایه‌داری» به قلم مالاکی مارتین نوشته شده و نخستین بار در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. مارتین نقش پاپ ژان پل دوم را به عنوان شخصیتی دگرگون‌ساز در سیاست و دیپلماسی جهانی در نیمه دوم قرن بیستم بررسی می‌کند. او نقش پاپ را در فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی مورد بحث قرار می‌دهد. این کتاب دیدگاهی کاتولیکی از پویایی‌هایی ارائه می‌کند که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، به تحقق آیه چهل دانیال یازدهم انجامید.

مارتین پویایی‌های درونی اتحاد جماهیر شوروی را تحت رهبری میخائیل گورباچف تحلیل می‌کند و به ویژه بر سیاست‌های «گلاسنوست» (شفافیت) و «پروسترویکا» (بازسازی) گورباچف تمرکز دارد. او چالش‌های پیش روی اتحاد جماهیر شوروی و تلاش‌های گورباچف برای اصلاح نظام کمونیستی را بررسی می‌کند. او تنش‌های ژئوپولیتیکی و کشمکش‌های قدرت میان اتحاد جماهیر شوروی (پادشاه جنوب — ازدها)، کلیسای کاتولیک (پادشاه شمال — وحش)، و آنچه او غرب سرمایه‌داری می‌نامد (ارتش نیابتی پادشاه شمال — نپی کاذب) را واکاوی می‌کند. او تعارض‌های ایدئولوژیک، جاسوسی، و عملیات پنهانی‌ای را که مشخصه دوران جنگ سرد بود مورد بحث قرار می‌دهد و تلاش‌های بازیگران گوناگون را برای شکل دادن به آینده جهان بررسی می‌کند.

مارتین بر اهمیت کاتولیسیسم به عنوان نیرویی در سیاست و دیپلماسی جهانی تأکید می‌کند. او استدلال می‌کند که کلیسای کاتولیک، تحت رهبری پاپ ژان پل دوم، در شکل دادن به مسیر تاریخ خلال این دوره و تأثیرگذاری بر نتیجه جنگ سرد نقشی محوری ایفا کرد. او نفوذ ژان پل را در بستر ظهورات ماریایی در فاطیما، پرتغال، قرار می‌دهد و تأثیر فاطیما بر رویدادهای جهانی و نقش کلیسای کاتولیک در شکل دادن به مسیر تاریخ را مشخص می‌سازد. مارتین بر آن است که رویدادهای فاطیما دلالت‌های مهم نبوی و ژئوپولیتیکی در بردارند، به ویژه در بستر دوران جنگ سرد.

مارتین به بررسی سه راز فاطیما می‌پردازد که بنا بر ادعا، در سال ۱۹۱۷ از سوی مریم باکره به سه کودک چوپان خردسال در فاطیما آشکار شد. او بر این نظر است که راز سوم، که در آغاز از سوی واتیکان محرمانه نگاه داشته شد و تنها در سال ۲۰۰۰ افشا گردید، در بردارنده هشدارهایی آخرالزمانی درباره آینده کلیسای کاتولیک و جهان بوده است. مارتین استدلال می‌کند که رویدادهای فاطیما، از جمله ظهورها و پیام‌هایی که مریم باکره ابلاغ کرد، دلالت‌هایی مهم برای سیاست جهانی و نیز برای نبرد میان کمونیسم و سرمایه‌داری در دوران جنگ سرد داشته است.

مارتین نقش پاپ ژان پل دوم را به عنوان شخصیتی کلیدی در تحقق پیشگویی‌های فاطیما برجسته می‌کند. او بر این باور است که ژان پل دوم خود را همان «اسقف سپیدپوش» مذکور در سومین راز فاطیما می‌دانست و پاپیت خویش را مأموریتی برای رویارویی با نیروهای شر و ترویج نوزایی معنوی در درون کلیسای کاتولیک و نیز در جامعه به طور کلی تلقی می‌کرد.

مارتین پیشنهاد می‌کند که پیام‌های فاطیما بر اهمیت نبرد روحانی و ضرورت رویارویی کلیسای کاتولیک با قوای شر، هم در درون کلیسا و هم در بیرون از آن، تأکید داشته‌اند. او استدلال می‌کند که رویدادهای فاطیما چارچوبی روحانی و اخلاقی برای فهم و مواجهه با چالش‌هایی که در جهان مدرن

فراروی بشریت قرار دارد، فراهم آورده است. پیام‌های فاطیما نمایانگر پیام شیطانی‌ای هستند که کاتولیسیسم را مشروط می‌سازد تا شیطان را به‌جای مسیح بپذیرد، آنگاه که او در قانون یکشنبه‌ای نزدیک الوقوع، خود را به‌جای مسیح «جلوه‌گر» می‌سازد.

«شیطان برای فریب ساکنان زمین معجزات به‌عمل خواهد آورد. روح‌گرایی کار خود را با سبب شدن ظاهر شدن کسانی به‌جای مردگان انجام خواهد داد. آن هیئت‌های مذهبی که از شنیدن پیام‌های هشدار خدا امتناع می‌ورزند، زیر فریب شدید قرار خواهند گرفت و با قدرت مدنی متحد خواهند شد تا مقدسان را آزار دهند. کلیساهای پروتستان در آزار قوم خدا که احکام او را نگاه می‌دارند، با قدرت پاپی متحد خواهند شد. این همان قدرتی است که آن دستگاه عظیم آزار را تشکیل می‌دهد که استبداد روحانی را بر وجدان‌های انسان‌ها اعمال خواهد کرد.»

«او دو شاخ مانند بره داشت، و مانند اژدها سخن می‌گفت.» هرچند انسان‌ها ادعا می‌کنند که از پیروان بره خدا هستند، به روح اژدها آغشته می‌شوند. ایشان اظهار می‌دارند که حلیم و فروتن‌اند، اما با روح شیطان سخن می‌گویند و قانون‌گذاری می‌کنند، و با اعمال خود نشان می‌دهند که درست بر خلاف آن چیزی هستند که وانمود می‌کنند. این قدرت بره‌مانند با اژدها متحد می‌شود تا بر ضد کسانی که احکام خدا را نگاه می‌دارند و شهادت عیسی مسیح را دارند، جنگ برپا کند. و شیطان با پروتستان‌ها و پاپیان متحد می‌شود و همچون خدای این جهان با آنان همدست عمل می‌کند و به انسان‌ها چنان فرمان می‌راند که گویی رعایای پادشاهی اویند، تا آنان را هرگونه که می‌خواهد به کار گیرد و حکومت کند و مهار نماید.

«اگر مردم نپذیرند که احکام خدا را پایمال کنند، روح اژدها آشکار می‌شود. آنان زندانی می‌گردند، به حضور شوراها آورده می‌شوند، و جریمه می‌شوند. «و او همه را، از خرد و کلان و دولتمند و فقیر و آزاد و غلام، بر آن می‌دارد که بر دست راست یا بر پیشانی خود نشانی بگیرند» [مکاشفه 13:16]. «و او قدرت داشت که به تصویر وحش حیات بخشد، تا تصویر وحش هم سخن بگوید و هم مقرر دارد که هر که تصویر وحش را پرستش نکند، کشته شود» [آیه 15]. بدین‌سان شیطان اختیارات مختص یهوه را غصب می‌کند. مرد گناه بر مسند خدا می‌نشیند، خود را خدا اعلام می‌کند، و برتر از خدا عمل می‌نماید.» Manuscript Releases, volume 14, 162.

है। प्रतनिधिपर पृथ्वी का शैतान पोप का रोम क्योंकि, है प्रतीक का दोनों—शैतान और पोप के रोम दज्जाल बैठता पर आसन के परमेश्वर मनुष्य का पाप है। लेता कर हरण का वशिषाधकिरो के यहोवा शैतान प्रकार इस" हाथ अपने अधिकार वह जब" है। करता कार्य ऊपर से परमेश्वर और, है करता घोषति परमेश्वर को आप अपने, है इस साथ के मनुष्यो "वह कहै रखता अभपिराय का करने में वश अपने प्रकार इस को संसार शैतान तब, लगा में साथे अनुसार के इच्छा अपनी वह जनिहें, हो प्रजा की राज्य उसके वे मानो करेगा व्यवहार आदेशपूर्वक प्रकार कलीसिया कैथोलिकि उसने हेतु करने प्राप्त सहिसन लिए के शासन धार्मिकि" करे। नयित्तरति और, करे शासति की। रचना की राष्ट्र संयुक्त उसने हेतु करने प्राप्त सहिसन लिए के शासन राजनीतिकि और, की रचना की

"یہ بت پرستی اور مسیحیت کے درمیان یہ مصالحت اُس 'مردِ گناہ' کے ظہور کا سبب بنی جس کی بابت نبوت میں پیشین گوئی کی گئی تھی کہ وہ خدا کی مخالفت کرے گا اور اپنے آپ کو خدا سے بڑھا کر بلند کرے گا۔ جھوٹے مذہب کا وہ عظیم الشان نظام شیطان کی قدرت کا شاہکار ہے—اس کی اُن کوششوں کی ایک یادگار کہ وہ تخت پر متمکن ہو کر اپنی مرضی کے مطابق زمین پر حکومت کرے۔" The Great Controversy, 50.

معجزه فاطیما، و نبوت شیطانی آن، همان چیزی است که شیطان به‌کار گرفته است تا زمینه‌ای نبوی فراهم آورد که به کاتولیسیسم امکان می‌دهد هنگام ظهور او و در حالی که خود را به‌جای مسیح جا می‌زند، کلیسای خود را به‌سرعت به تسلط او واگذارد. جعل هویت او به‌عنوان مسیح از قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد آغاز می‌شود؛ قانونی که در آیه شانزدهم، آیه بیست و دوم، آیه

سی‌ویکم و آیهٔ چهل‌ویکم باب یازدهم دانیال نمایان شده است.

«با صدور فرمانی که به اجبار نهاد پاپیت را در نقض شریعت خدا برقرار می‌سازد، ملت ما خود را به‌طور کامل از پارسایی جدا خواهد کرد. هنگامی که پروتستان‌تیسم دست خود را از فراز این شکاف دراز کند تا دست قدرت روم را بگیرد، هنگامی که از فراز این ورطه دست دراز کند تا با روح‌گرایی دست دهد، هنگامی که، تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را به‌عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری‌خواه مردود شمارد و برای گسترش اکاذیب و فریب‌های پاپی تدارک ببیند، آنگاه خواهیم دانست که زمان عملکرد شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» Testimonies, volume 5, 451.

در هنگام وضع قانون یک‌شنبه در ایالات متحده، «زمان عملکرد شگفت‌انگیز شیطان فرارسیده است.» در مکاشفه، باب سیزدهم، آیهٔ یازده، ایالات متحده همچون اژدها «سخن می‌گوید؛ و سپس در آیهٔ سیزده، که صرفاً بیانگر آن چیزی است که هنگامی رخ می‌دهد که ایالات متحده با تصویب قانون یک‌شنبه «سخن می‌گوید»، شیطان ظاهر می‌شود تا آتش را از آسمان فرو فرستد.

«خادمان خدا، با چهره‌هایی افروخته و درخشان از تقدیس مقدّس، از جایی به جایی دیگر خواهند شتافت تا پیام آسمان را اعلام کنند. به‌وسیله هزاران صدا، در سراسر زمین، این هشدار داده خواهد شد. معجزات به‌وقوع خواهد پیوست، بیماران شفا خواهند یافت، و آیات و عجایب در پی ایمانداران خواهد آمد. شیطان نیز عمل می‌کند، با معجزات دروغین، حتی آتش را از آسمان در برابر دیدگان انسان‌ها فرو می‌آورد. مکاشفه ۱۳:۱۳. بدین‌سان ساکنان زمین واداشته خواهند شد که موضع خود را اختیار کنند.» جدال عظیم، ۶۱، ۶۱۲.

پیام‌های فاطیما به‌وسیلهٔ معجزه‌ای تأیید شدند که روزنامه‌های دولت الحادی، که برای ردّ ادعاهای مطرح‌شده دربارهٔ آنچه «مریم باکره» نامیده می‌شد و گفته می‌شد از ماه مه تا هنگام معجزه در ۱۳ اکتبر ۱۹۱۷، در روز سیزدهم هر ماه، به دیدار آن سه کودک می‌آمد، در آن رویداد حضور یافته بودند، بر آن شهادت دادند. هر سازمان خبری الحادی که در زمان وقوع آن معجزه در فاطیما حضور داشت، آن رویداد را تأیید کرد. آن یک معجزه واقعی بود (از جانب شیطان).

چنان‌که مالاچی مارتین در کتاب خود بیان کرد، پاپ ژان پل به‌وسیلهٔ ارادت خود به مریم فاطیما هدایت می‌شد. پیشگویی سری فاطیما، که تا سال ۲۰۰۰ آشکار نشد، البته پیشگویی‌ای شیطانی بود؛ اما در ایام آخر، عیسی روزهای نخستین را تکرار می‌کند. کهن‌ترین کتاب کتاب مقدس، نخستین کتابی که موسی نگاشت، کتاب ایوب است، و آن نشان می‌دهد که ایوب، که نمایندهٔ آن یکصد و چهل‌وچهار هزار نفر است، زیرا همهٔ نبوت‌ها به کامل‌ترین وجه در ایام آخر به انجام می‌رسند. در حکایت ایوب، به شیطان اجازه داده می‌شود که برای آزمودن ایوب، مرگ و ویرانی را بر او وارد آورد. معجزاتی که در ایام آخر به شیطان اجازه داده می‌شود به انجام رساند، معجزاتی واقعی هستند. آنها معجزات شیطانی‌اند، اما خدا به شیطان اجازه داده است که عمل نهایی خود را به انجام رساند، به همان منظوری که به او اجازه داد ایوب را بیازماید.

«بسیاری می‌کوشند تجلیات روحانی را چنین توجیه کنند که آن‌ها را یکسره به فریب و تردستی مدیوم نسبت دهند. اما هرچند درست است که نتایج نیرنگ، بارها به‌عنوان تجلیات حقیقی به مردم قالب شده است، با این همه، نمودهای آشکاری از قدرتی فوق‌طبیعی نیز وجود داشته است. تقه‌های اسرارآمیزی که اسپیریتیسم جدید با آن آغاز شد، نتیجه فریب یا زیرکی انسانی نبود، بلکه کار مستقیم فرشتگان شریر بود که بدین‌سان یکی از کامیاب‌ترین فریب‌های جان‌هلاک‌کننده را پدید آوردند. بسیاری از طریق این باور که اسپیریتیسم صرفاً یک imposture انسانی است، در دام خواهند افتاد؛ زیرا هنگامی که رودرو با تجلیاتی قرار گیرند که ناگزیر باید آن‌ها را فوق‌طبیعی بشمارند، فریب خواهند خورد و به پذیرش آن‌ها به‌عنوان قدرت عظیم خدا کشانده خواهند شد.»

«این اشخاص، شهادت کتب مقدس را درباره شگفتی‌هایی که به دست شیطان و کارگزاران او به عمل می‌آید، نادیده می‌گیرند. این به یاری قدرت شیطانی بود که جادوگران فرعون قادر شدند کار خدا را جعل و همانندسازی کنند. پولس شهادت می‌دهد که پیش از آمدن ثانوی مسیح، ظهورات مشابهی از قدرت شیطانی وجود خواهد داشت. آمدن خداوند را باید «عمل شیطان با هر گونه قدرت و آیات و معجزات دروغین، و با هر فریب ناراستی» پیشی گیرد. 2 Thessalonians 2:9,10. و رسول، یوحنا، در توصیف قدرت معجزه‌گر که در ایام آخر ظاهر خواهد شد، اعلام می‌دارد: «و آیات عظیم به‌جا می‌آورد، چنان‌که آتش را نیز از آسمان به زمین در حضور مردمان فرود می‌آورد، و ساکنان زمین را به سبب آن معجزاتی که به او قدرت داده شده بود که به‌جا آورد، می‌فریبد.» Revelation 13:13, 14. در اینجا صرفاً فریبکاری‌های ظاهری پیشگویی نشده است. مردم به وسیله معجزاتی فریب می‌خورند که کارگزاران شیطان قدرت انجام آن‌ها را دارند، نه آنچه فقط تظاهر می‌کنند که انجام می‌دهند.» The Great Controversy, 553.

پیام‌های فاطیما در کتاب مالاکی مارتین به منزله ساختار نبوی کاتولیسیسم در ایام آخر بازنمایی شده‌اند، در ارتباط با کشاکشی درونی در درون کلیسا که می‌توان آن را یا به صورت پاپ نیک در برابر پاپ بد، یا پاپ محافظه‌کار در برابر پاپ لیبرال باز نمود. پاپ محافظه‌کار، و بنا بر قرائت مارتین از آن معجزه، پاپ نیک، دریافت خود را بر شورای اول واتیکان، که همچنین با نام واتیکان اول شناخته می‌شود، استوار می‌سازد؛ شورایی که از ۸ دسامبر ۱۸۶۹ تا ۲۰ ژوئیه ۱۸۷۰ برگزار شد، به دعوت پاپ پیوس نهم تشکیل گردید و تمرکز اصلی آن بر تعریف حکم جزمی عصمت پاپی و نیز رسیدگی به مسائل گوناگون الهیاتی و تعلیمی پیش روی کلیسای کاتولیک در آن زمان بود. شورای دوم واتیکان، که عموماً با نام واتیکان دوم شناخته می‌شود، بسیار دیرتر، از ۱۱ اکتبر ۱۹۶۲ تا ۸ دسامبر ۱۹۶۵، برگزار شد. این شورا به دعوت پاپ یوحنا بیست‌وسوم تشکیل شد و پس از درگذشت یوحنا بیست‌وسوم، به وسیله پاپ پولس ششم ادامه یافت.

آخرین روزهای کاتولیسیسم، چنان‌که مارتین بیان کرده است، کشمکش میان عصمت و اولویت کلیسای روم، آن‌گونه که در شورای واتیکان اول مقرر شد، از یک سو، و لیبرالیسمی که اکنون در فرانسیس، پاپ بیدارگرا، به نمایش گذاشته شده و در اسناد شورای واتیکان دوم نمایندگی می‌شود، از سوی دیگر، را مشخص می‌سازد. مارتین پیشنهاد می‌کند که در میانه نزاع بر سر این دو رویکرد برای کنترل کلیسا، جنگ جهانی سوم درمی‌گیرد، و عیسی باز می‌گردد، به زمین فرود می‌آید و بر پاپ نیکو برکت خود را می‌نهد و تخت کلیسای کاتولیک را در اختیار می‌گیرد.

در آیات سیزده تا پانزده دانیال یازده، تاریخی که بی‌درنگ پیش از قانون یکشنبه آیه شانزده قرار دارد، سومین و نهایی‌ترین نبرد جنگ‌های نیابتی را توصیف می‌کند. این همان نبردی است که پس از پیروزی پوتین در آیات یازده و دوازده رخ می‌دهد، اما در میانه آن سه آیه، آیه چهارده مشخص می‌سازد که کاتولیسیسم چه زمانی وارد تاریخ ایام آخر می‌شود.

بر اساس اشعیا، فاحشه روم در طی سلطنت نمادین هفتادساله ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدسی به فراموشی سپرده می‌شود. نخستین بار که پاپیت در سال 538 بر زمین به تخت نشاند، نشانه‌ای که پیش از به تخت نشستن آن قرار داشت، فرمان یوستینیان در سال 533 بود.

تاریخ پیرامون فرمان ژوستینیان نشان می‌دهد که ژوستینیان در پی آن بود که با پایان بخشیدن به مجادله دینی‌ای که موجب آشوب در قلمرو او شده بود، سلطه خود را بر پادشاهی‌اش تحکیم کند. آن مجادله این بود که آیا کلیسای قسطنطنیه در شرق، یا کلیسای روم در غرب، رأس کلیسای موسوم به مسیحی است. در آیه سیزده، آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده با مناقشه‌ای روبه‌رو خواهد شد که او را وادار می‌سازد تاریخ ژوستینیان را موازات کند و اعلام نماید که کلیسای کاتولیک رأس کلیساهای و اصلاح‌کننده بدعت‌گذاران است، تا پشتیبانی سیاسی لازم را برای تحکیم قدرت خود برقرار سازد.

در همان بازهٔ زمانی، پادشاه جنوب معاصر تاریخ خود را با انقلاب روسیه آغاز می‌کند، و پادشاه شمال معاصر تاریخ خود را با معجزهٔ فاطیما آغاز می‌نماید. همان‌گونه که مالاکا مارتین در کتاب خود تأکید می‌کند، فراتر از کشمکش درونی میان پاپ نیک و پاپ بد، پیام‌های فاطیما نیز کاتولیسیسم با الحاد را به‌طور کلی، و به‌طور مشخص‌تر با الحاد روسیه، شناسایی می‌کرد. آن سری که پاپ در سال ۱۹۱۷ می‌بایست بر اساس آن عمل کند، دربردارندهٔ این وعدهٔ (شیطانی) بود که اگر پاپ شورای محرمانه‌ای تشکیل دهد و روسیه را به مریم باکره تقدیس کند، آنگاه جنگ جهانی دومی در کار نخواهد بود. همچنین بیان می‌کرد که اگر پاپ امتناع ورزد، روسیه فلسفهٔ خود را در همه‌جا گسترش خواهد داد و در آن صورت جنگ جهانی دیگری رخ خواهد داد.

جنگِ عظیم دوم میں روس کے کمیونزم کے خلاف کیتھولکیت کی جنگ بھی شامل تھی۔ اس جنگ میں کیتھولکیت کی نیابتی فوج نازی جرمنی تھا۔ پاپائیت ہمیشہ نیابتی افواج ہی کو بروئے کار لاتا ہے۔ 1933ء میں کیتھولک کلیسیا نے، کارڈینل پچیلی کی مساعی کے ذریعے، ایڈولف ہٹلر کے ساتھ ایک کونکورڈاٹ پر دستخط کیے جس نے ہٹلر کو جرمنی پر قبضہ جمانے کی اجازت دی، اور خود ہٹلر کی اپنی گواہی کے مطابق، وہ معاہدہ (کونکورڈاٹ) ہی تھا جس نے ہٹلر کو یہودی مسئلہ حل کرنے کے قابل بنایا۔ دوسری عالمی جنگ میں نازی atheistic روس کے خلاف پاپائیت کے نیابتی تھے، اور نیابتی جنگوں کی دوسری لڑائی میں، جو اب یوکرین میں انجام دی جا رہی ہے، یہی کام ایک اور نازی نیابتی فوج کے ذریعے سرانجام دیا جا رہا ہے۔

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«از طریق دو گمراهی بزرگ، یعنی جاودانگی نفس و قداست یکشنبه، شیطان مردم را در زیر فریب‌های خود خواهد آورد. در حالی که اولی شالوده روح‌باوری را بنا می‌نهد، دومی پیوندی از همدلی با روم پدید می‌آورد. پروتستان‌های ایالات متحده نخستین کسانی خواهند بود که دست خود را از فراز این شکاف دراز کنند تا دست روح‌باوری را بگیرند؛ ایشان از فراز این ورطه دست خواهند برد تا با قدرت روم دست دهند؛ و تحت تأثیر این اتحاد سه‌جانبه، این کشور در پایمال کردن حقوق وجدان، در گام‌های روم گام خواهد نهاد.»

رضاح راگ زوریم سالتی حیسم هب یرت شیب ته ابش یی ارگا حور هک یم اگ نه»
دوخ دب ای ام ندن کفا ماد هب و نداد بیرف یارب یرت شیب تردق ،دنک ایم ادیپ
روم انیون ـ مظن قفو رب ،زین نا طیش
روما نیون ـ مظن قفو رب ،زین نا طیش
دوخ دب ای ام ندن کفا ماد هب و نداد بیرف یارب یرت شیب تردق ،دنک ایم ادیپ

«خطّ التمييز بين المسيحيين بالاسم وبين الأشرار يكاد الآن لا يُرى. فأعضاء الكنيسة يحبّون ما يحبّ العالم، وهم مستعدّون للاتحاد معه، وقد عزم الشيطان أن يضمهم جميعاً في جسد واحد، وبذلك يقوّي قضيتّه بأن يجرف الجميع إلى صفوف الروحانية. أمّا البابويون، الذين يفتخرون بالمعجزات بوصفها علامة أكيدة للكنيسة الحقيقية، فسينخدعون بسهولة بهذه القدرة الصانعة للعجائب؛ وكذلك البروتستانت، إذ قد طرحوا ترس الحق، سيضللّون هم أيضاً. والبابويون والبروتستانت وأبناء العالم سيقبلون جميعاً صورة التقوى بلا قوتها، وسيرون في هذا الاتحاد حركة عظيمة لاهتداء العالم وإدخال الألفية المنتظرة منذ زمن طويل.»

«از طريق اسپيريتيسم، شیطان خود را همچون نیکوکار نوع بشر ظاهر می‌سازد، بیماری‌های مردم را شفا می‌دهد و وانمود می‌کند که نظامی تازه و برتر از ایمان دینی عرضه می‌دارد؛ اما در همان حال، به عنوان ویرانگر عمل می‌کند. وسوسه‌های او انبوهی را به سوی هلاکت می‌کشانند. بی‌اعتدالی، عقل را از سریر فرمانروایی فرو می‌افکند؛ و دنباله آن، کام‌جویی شهوانی، نزاع و خون‌ریزی است. شیطان از جنگ لذت می‌برد، زیرا بدترین امیال جان را برمی‌انگیزد و سپس قربانیان خود را، آغشته به فسق و خون، به ابدیت درمی‌روبد. مقصود او این است که ملت‌ها را به جنگ با یکدیگر برانگیزد، زیرا بدین‌وسیله می‌تواند ذهن‌های مردم را از کار آمادگی برای ایستادن در روز خدا منحرف سازد.»

«شیطان از طریق عناصر نیز عمل می‌کند تا محصول خود را از جان‌های ناآماده درو کند. او اسرار آزمایشگاه‌های طبیعت را مطالعه کرده است، و تمامی قدرت خود را به کار می‌گیرد تا تا آنجا که خدا اجازه می‌دهد، عناصر را مهار کند. هنگامی که به او اجازه داده شد ایوب را مبتلا سازد، چه به سرعت گله‌ها و رمه‌ها، خادمان، خانه‌ها و فرزندان از میان رفتند، و مصیبتی در پی مصیبتی دیگر، گویی در یک لحظه، فرود آمد. این خداست که مخلوقات خویش را سپر می‌شود و آنان را از قدرت هلاک‌کننده در حصار نگاه می‌دارد. اما جهان مسیحیت نسبت به شریعت یهوه اهانت ورزیده است؛ و خداوند دقیقاً همان کاری را خواهد کرد که اعلام فرموده بود انجام خواهد داد—او برکات خود را از زمین بازخواهد گرفت و مراقبت محافظت‌کننده خویش را از کسانی که بر ضد شریعت او سرکشی می‌کنند و تعلیم می‌دهند و دیگران را نیز وادار می‌سازند که همان کنند، برخواید داشت. شیطان بر همه کسانی تسلط دارد که خدا به‌طور ویژه از آنان محافظت نمی‌کند. او به برخی التفات خواهد کرد و ایشان را کامیاب خواهد ساخت تا مقاصد خود را پیش ببرد، و بر برخی دیگر مصیبت وارد خواهد آورد و مردم را به این باور خواهد کشاند که این خداست که ایشان را مبتلا می‌سازد.»—589 می‌سازد. Great Controversy, 588, 589